■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۴۲ ■ شنبه ■ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

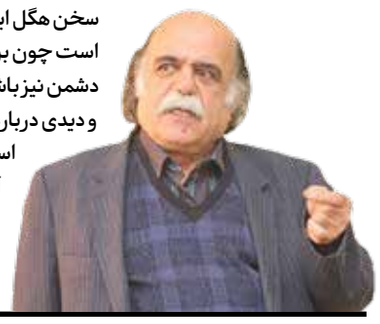
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۱ | اذان مغرب ۲۰/۱۸ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۲ | اذان صبح فردا ۴/۲۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۳

سخن روز

امام حسن علیه‌السلام:
خیری که هیچ شری در آن نیست، شکر بر نعمت و صبر بر مصیبت ناگوار است.
تحف‌العقول ص۲۳۴

میرجلال‌الدین کزازی: هگل آغاز تاریخ را از ایران می‌داند



سخن هگل این است که تاریخ با ایران آغاز می‌گیرد. براستی این موضوع، نازشی برای ما ایرانیان است چون برترین و بی‌گمان‌ترین ستایش آن است که دیگری از ما داشته باشد بویژه اگر آن دیگری دشمن نیز باشد. البته هگل دشمن ما ایرانیان نبود اما از آن دیگران است، چرا باید چنین داوری و دیدی درباره ما داشته باشد؟ تنها پاسخم این است که او فرزانه، خردمند، دانادل و در پی راستی است. به استواری باور دارم هرکس که این‌چنین باشد و با تاریخ، فرهنگ و پیشینه ایرانی آشنایی داشته باشد با هگل یا با همه آن فرزانگان فرخنده خوی که ایران را به هر شیوه‌ای ستوده‌اند هم‌داستان خواهد شد.

بخشی از گفت‌وگوی این پژوهشگر با خبرنگار ایسنا

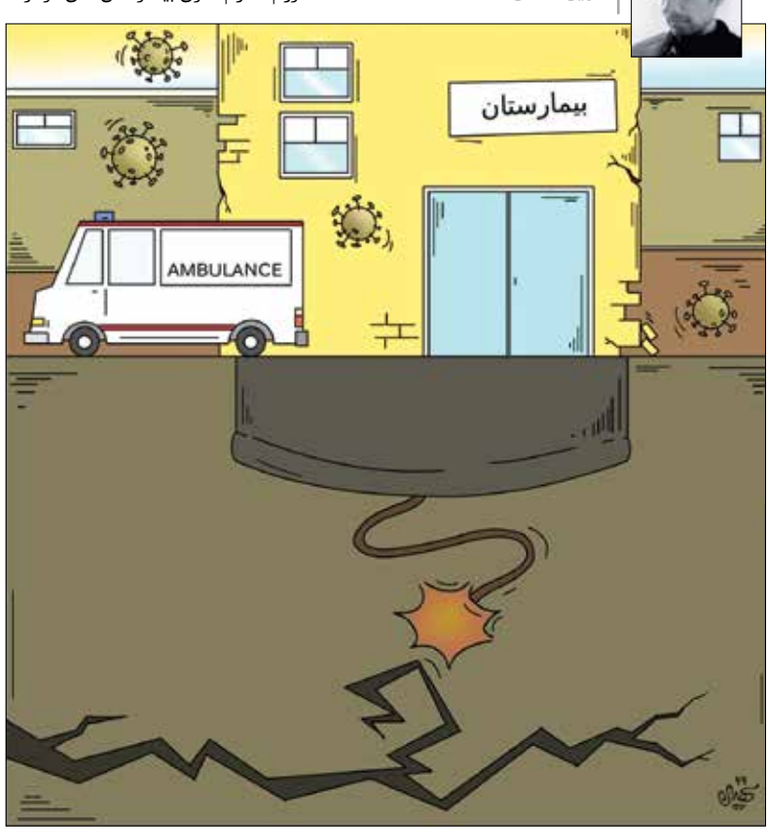
دعای روز پانزدهم
ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی فِیهِ طَاعَهَ الْخَاشِعِینَ وَ اشْرَحْ فِیهِ صَدْرِی بِإِنَابَهِ الْمُخْبِتِینَ بِأَمَانِکَ یَا أَمَانَ الْخَائِفِینَ

خدایا در این ماه طاعت فروتنان را نصیبم کن و سینه ام را برای انابه همانند بازگشت خاضعان باز کن به امان دادنت ای امان ده هراسندگان.

نگاره
سهیل محمدی

لزوم مقاوم سازی بیمارستان های فرسوده



ولادت امام حسن مجتبی، کریم اهل بیت (ع) مبارک باد

جلوه شفقت ومهربانی

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

پانزدهم ماه مبارک رمضان مصادف با میلاد دومین پیشوای مسلمانان،امام‌حسن‌مجتبی(ع) است.

نخستین ثمره کانون عصمت و طهارت که در دامان نبوت تربیت یافت و به تصریح سیره‌نویسان یکی از نسخه‌های کامل بشریت و اسوه حسنه‌ای بود که قول و فعلش بیانگر تعالیم مکتب اسلام است.

وقتی مژده ولادت نوزاد علی (ع) و فاطمه(س) را به پیامبراکرم(ص)دادند، شادمانه خود را به خانه دخترش رساند و فرمود، فرزند مرا بیاورید وهنگامی که نوزاد را به آغوش کشید، با لبخندی پذیرای وی شده و گفت: «خدایا این کودک، پسر من است، من او را دوست دارم، تو نیز او را دوست بدار و هر کس را هم که او را دوست می‌دارد، دوست بدار.»

سپس سنت اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد را بنیان نهاده و نام «حسن» را که تا آن زمان رایج نبود، برای او برگزید. امام حسن مجتبی (ع) با مردم از موضع شفقت و دوستی برخورد می‌کرد و دشمنان را به دیده کسانی می‌نگریست که نیازمند دلسوزی هستند.

از این رو در سیره اخلاقی امام حسن (ع) جلوه‌های محبت بیش از هر چیزی هویداست و شاید به همین دلیل باشد که آن حضرت(ع) را با لفظ «کریم اهل بیت» ستوده‌اند.

امام حسن (ع)با اخلاق کریمانه از دیگر هم عصران خود متمایز می‌شد و به تصریح سیره‌نگاران، بسیاری از مردم که برخی از آنان از مخالفان سرسخت حضرتش بودند، پیش از آنکه با منطق زبان تسلیم وی شوند، مقهور عظمت روحی و اخلاقی حضرتش می‌شدند.

آن حضرت (ع) کمالات اخلاقی و فضایل ممتاز را از جد بزرگوارخود، همچنین پدر و مادرش به ارث برده و بحق مصداق و تجسم عینی آیه کریمه، «ادفع بالتی هی احسن، فاذالذی بینک و بینه عداوه کانه ولی حمیم» (بدی‌ها را به نیکی پاسخ داده و با آن کس که با تو دشمنی می‌کند دوست و یاور باش) بود.

فروتنی امام حسن مجتبی(ع) که نشانگر کمال و بلندی مقام آن حضرت است، موجب شده بود تا با صبر و بردباری با اطرافیان برخورد کند و تقصیر و زشتکاری آنان را با احسان و نیکویی پاسخ دهد.

آن حضرت (ع) در احترام به شخصیت افراد هیچ ملاحظه خاصی را در نظر نمی‌گرفت و برای همه طبقات اجتماع به طور یکسان احترام قائل بود.

با افراد عادی همنشین می‌شد و با آنان حشر و نشر داشت و به این رویه حتی در دوران خلافت نیزعمل می‌کرد، امتیازی که در هیچ یک از فرمانروایان دیده نشده است.

آری، آیین اسلام تنها مکتبی است که با ارائه چنین الگوهای کاملی در کنار دستورالعمل‌ها و تعالیم ممتاز، قول و فعل را ملازم همدیگر ساخته و آهنگ ابدی گرفته است.

قرآن کریم نیز با توجه به نقش این گونه الگوها از آنان به عنوان دلایل حقانیت دین و حجت حق یاد کرده و میزان و معیار سنجش خوب از بد و عامل تحرک و پویایی افراد و جوامع برشمرده است.

ادبیات وهنر و بروز چالش‌ها و رخدادهای طبیعی

هنر، تاریخ مبارزه انسان با چالش‌هاست

حرف روز



محمدعلی الستی
جامعه‌شناس

هنر در هر جهتی می‌تواند باعث تقویت و تشدید شود؛ یعنی هم می‌تواند پس از رخداد حادثه یا چالشی، انسان‌های روزگار خود را آرام کند و هم می‌تواند باعث عدم آرامش آنها شود. بسیاری می‌دانند که در درون انسان، دو موجود با هم زیست و به هم در فرآیند تصمیم‌گیری یاری می‌رسانند. در واقع مغز ما از دو قسمت و بخش تشکیل شده که نیمه راست در واقع محرک حسی است و به جذابیت‌ها و درک و دریافت‌های خلاقانه و زیباشناسانه و نیمه چپ به استدلال و منطق و دریافت‌هایی از جنس مقبولیت منطقی اختصاص دارد. وقتی انسان دربرابر موضوعی قرار می‌گیرد که نیاز به اخذ تصمیمی دارد هر کدام از این دو طرف نقش خاص خود را ایفا می‌کنند. در این بین، کار هنر این است که برای افزایش جذابیت حسی و پیروزی بر چالش‌های پیش رو در خدمت مقبولیت منطقی قرار بگیرد. فرض کنیم مقبولیت منطقی می‌گوید برای محافظت از ابتلا به کرونا خوب است خانه باشیم و بیرون نرویم، بر همین اساس هنر در خانه ماندن را ترویج می‌کند و آن را مقبول نشان می‌دهد و وسیله‌ای می‌شود برای ترویج این شعار و هدف. یا دربرابر زلزله مقبولیت منطقی به ما می‌گوید که باید چه کنیم و هنر در این مسیر ایجاد آرامش می‌کند و تسکین می‌دهد و راه را هموار و تحمل‌پذیر می‌کند و در واقع هنر است که انسان را برای رسیدن به مطلوب منطقی تهییج می‌کند. پس هنر تصمیم‌سازی نمی‌کند و این کار را عقل و دانش و علم انجام می‌دهند و هنر تنها کمک می‌کند تا به سمت این تصمیم برویم.

تاریخ زندگی بشر تاریخ مبارزه با طبیعت و چالش‌هایش است و انسان هم آسیب‌پذیرترین موجودی که مجبور بوده برای حفظ



و بقای خود ابزارهای دفاعی برای خویش بسازد. انسان به واسطه همین ضعف مشهود، دائم در حال چالش با انواع و اقسام مشکلات از بیماری گرفته تا حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله و... بوده است. همه این‌ها تاریخ مبارزه بشر را ساخته و از دل این مبارزات، خلاقیت، هنر و شعر متولد شده و اگر انسان چالشی نداشته باشد انگیزه‌ای هم برای خلق هنر نخواهد داشت و همین باعث شده ملت‌هایی که چالش‌های بیشتری از این دست داشته‌اند، ملت‌هایی خلاق‌تر و هنرمندتر باشند. چالش‌ها فرصت‌هایی هستند که در دل تهدید برای خلاقیت هنری ایجاد می‌شوند. همین چند ماه اخیر هم شاهد بودیم طرح‌هایی که درباره فاصله‌گذاری و... خلق شد تا چه حد زیبا و برآمده از یک نیاز اجتماعی و منطقی بودند. پس عقل به ما می‌گوید چگونه از این چالش‌ها بیرون بیاییم و هنر نیز در خدمت این مقبولیت منطقی قرار می‌گیرد. پس نباید فراموش کنیم که مقبولیت اساس است و جذابیت حسی وسیله است.

حال و هوای شبکه‌های اجتماعی پس از زلزله تهران

از کرونا فرار کنیم یا زلزله؟

شهروند مجازی
یگانه خدامی

«زلزلههههه. چه زلزله‌ای شد. شماها هم فهمیدین؟ تهران لرزید. وااای»

در اولین ساعت روز جمعه تهران با زلزله ۵/۱ ریشتری لرزید. شبکه‌های اجتماعی پر شد از نوشته‌هایی شبیه اینها. از استوری‌ها و پست‌های اینستاگرامی تا توئیت‌هایی که با ترس شروع و به شوخی ختم شدند. زلزله همیشه از آن موضوعاتی است که می‌تواند کاربرها را تحت تأثیر قرار دهد و از آن زمان‌هایی است که جو یکدستی در شبکه‌های اجتماعی به وجود می‌آید. زلزله تهران باعث شد یک رکورد توسط کاربران ایرانی در توئیتر ثبت شود. چون از زمان وقوع زمین لرزه تا ۲ساعت پس از آن کاربران توئیتری بیش از ۲۸هزار توئیت در رابطه با زلزله منتشر کردند. یعنی به طور میانگین در هر دقیقه ۲۳۳ توئیت. هشتگ هم که کاملاً مشخص بود: زلزله.

به دلیل اینکه سال هاست گفته می‌شود تهران در معرض خطر یک زلزله شدید قرار دارد. هر زمین لرزه نسبتاً شدید می‌تواند فضا را در شبکه‌های اجتماعی کاملاً تغییر دهد. اما جوی که بعد از زلزله بامداد جمعه در شبکه‌های اجتماعی به وجود آمد تحت تأثیر یک مسأله دیگر هم قرار داشت: بیماری کرونا و مراقبت‌های خاص این بیماری که باعث شد فرار کردن و بیرون از خانه ماندن این بار فرق داشته باشد.

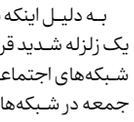
به همین دلیل بخش زیادی از توئیت‌ها و پست‌های اینستاگرام به همزمانی کرونا و زلزله اشاره داشت. اینکه در این شرایط باید در خانه بمانیم یا نمانیم؟ یکی از توئیت‌های مشهور با این رویکرد توئیتی بود که با عکسی معروف از دو قورباغه عروسکی منتشر شد. قورباغه‌هایی که در شرایط مختلف سوژه کاربرها می‌شوند و این بار یکی از آنها کرونا بود و یکی دیگر زلزله و با هم گفت‌وگو می‌کردند: «- تو بیارشون بیرون من می‌کشمشون! - حله» این توئیت به قول توئیتری‌ها یکی از فیواستارهای بامداد جمعه بود و بیش از ۳ هزار لایک گرفت. توئیت‌ها و پست‌هایی با موضوع مشترک زلزله و کرونا زیاد خواندیم. نوشته‌هایی مثل اینها: «کرونا پارک‌ها رو بست و زلزله دوباره بازش کرد»، «قدر نمی‌دونیم که یکم دیگه تلاش کنیم آتشفشان دماوند فعال میشه می‌تونیم از تهران یه موزه عبرت بسازیم بعداً ازش پول در بیاد»، «هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم با ماسک و کلاه کاسکت بگیرم بخوابم.»، «زلزله اومد هول شدم رفتم دستهامو شستم، خدایا تکلیف ما رو روشن کن.»، «همسایه‌ها از ترس زلزله ریختن بیرون بعد به‌خاطر قرنطینه خیلی وقته همدیگه رو ندیدن دارن عید نوروز باستانی رو به هم تبریک میگن و روبوسی می‌کنن.»

همزمانی اتفاقات مختلف در ایران یکی دیگر از سوژه‌هایی است که با بروز هر اتفاق معمولاً به آن پرداخته می‌شود. این بار گرانی پراید یکی از مسائلی بود که در زلزله نویسی‌ها به چشم آمد: «حالا به علت وقوع زلزله پراید ۲۰ میلیون گرون می‌شه»، «تو کوچه ما هر کی پراید داره از تو پارکینگ خونش آورده تو کوچه پارک کرده رفته تو خونه ش خوابیده»، «بگیرید بخوابید بابا. ما پراید ۹۰ میلیونی دیدیم. زلزله که چیزی نیست»، «زلزله از پراید ۹۰ میلیونی که بدتر نیست.»

همه واکنش‌ها به زلزله و ماجراهایش شوخی و طنز نبود. از همان دقایق اول کاربران زیادی سعی کردند با اطلاع‌رسانی درباره مرکز زلزله، قدرت آن و انتشار جدیدترین اخبار درباره این زمین لرزه به بقیه کمک کنند. کاربران زیادی هم هشدارهای زمان موقوع زلزله، نحوه پناه گرفتن در خانه و نکات ایمنی مربوط به این موضوع را بازنشر می‌کردند و از امنیت ساختمان‌ها می‌نوشتند: «هیچ ساختمان ضد زلزله‌ای در ایران نداریم. ساختمان‌ها اگر تماماً مطابق آیین‌نامه و بدون تخلف باشند به گونه‌ای ساخته می‌شوند که تا حد ممکن تاب‌آوری داشته باشند و فرصت فرار به ساکنین بدهند و بعد از زلزله بزرگ قرار گرفتن در زیر ساختمان‌ها ممنوع است.» گسل‌های فعال شده تهران هم مسأله‌ای بود که زیاد درباره‌اش نوشته شد. هشدارهایی که درباره فعالیت گسل مشا در تهران داده می‌شد بسیاری از کاربران را ترسانده بود: «سال ۹۶ که زلزله اومد تمام کارشناسان زمین اومدن توی تلویزیون و گفتن شانس آوردیم گسل مشا و ری فعال نشده. هرکدوم از این دو تا می‌تونن زلزله‌ای به قدرت ۹ ریشتر در تهران به وجود بیارن. به سلامتی گسل مشا حالا فعال شده. آیا تهران توان تحمل در برابر زلزله‌ای حتی به قدرت ۷ ریشتر را دارد؟»، «گسل شمال تهران یکی از خطرناک‌ترین گسل‌های تهران است و نزدیک‌ترین گسل به اون همین گسل مشا-فشم است که بعد از ۱۹۰ سال فعال شده و می‌تونه روی گسل شمال تهران تأثیر بذاره.»

او در درون همه هستی‌هاست

هفته نوشت
ستون شنبه



الهام فخاری
عضو شورای شهر تهران

در هفته‌ای که گذشت خبر درگذشت چند چهره برجسته فرهنگی و هنری رسانه‌ای شد. یادآوری آنچه از آنان می‌شناسیم و واگو کردن اندوه و دریغ‌ها ازجمله کارهایی هستند که در واکنش به این خبرها می‌بینیم. خبر درگذشت کسانی که در جست‌وجویی متفاوت و به دور از جاروجنجال‌های پرکشش قدرت و سرمایه، خودساخته و پرتوان چنان زیسته‌اند که خود دهه‌ها سرمایه‌ساز فرهنگی و اجتماعی شده‌اند بی آنکه سودایی چنین در سر داشته باشند. به قلم چنین کسانی بخت خواندن و خودهمان‌پنداری با «پیرمرد و دریا» و زیستن در دنیای «یک گل سرخ برای امیلی» در رنجوری‌ها و ناروشنی‌های کودکی و نوجوانی جنگ‌زده از آن ما شد. دکتر شفیعی کدکنی واژه «مژده‌بخش» را درباره زنده‌یاد نجف دریابندری به‌کاربرده وچه راست و درست گفته است. آنچه از خانه‌ها و اتاق‌هایشان دیده‌ایم نیایشگاهی از کتاب و زیبایی است و سادگی. هفته پیش در سرکشی و ارزیابی پیشبرد بازسازی خانه‌موزه شادروان مهدی اخوان‌ثالث، یادآوری زیستن او در آن خانه که جاوگاه(موقعیت) دورهمی‌های فرهنگی و هنری بوده با بوی خوش یاس باغچه درآمیخته بود. جدای از اینکه این آدم‌های گوناگون نظام باور-ارزشی(ایدئولوژی)شان چه بوده، آیا از زیست فرهنگی آمیخته با بالندگی معناگر(معنوی) برخوردار بوده‌اند؟ از روزن بالندگی اخلاقی، معناگری و بالندگی معنوی را بازخوانی کردم. پژوهشگران روان‌شناسی اخلاق می‌گویند ویژگی‌هایی در افراد مانند توانایی‌های شناختی، گرایش به استقلال و آزادگی، مردم‌گرایی و برابری‌خواهی با هم ربط دارند. اخلاق، معناگری و دین‌گرایی مفهوم‌هایی نزدیک، هم‌پوش ولی متفاوت هستند که با جامعه‌پذیری یا اجتماعی‌شدن پیوند دارند. اجتماعی‌شدن بر روند بالندگی افراد اثرگذار است. کسانی چون جیمز یا هود به روان‌شناسی دین و معنویت پرداخته و از پژوهش‌های پدیدارشناختی درباره تجربه معناگری و دین گزارش کرده‌اند که با رویکردهای اندازه‌سنج(کمی)در تقابل است. در بررسی‌ها معنویت از دو دیدگاه، یکی نگاه غیرشریعت‌گرا و دیگری شریعت‌گرا چنین بیان می‌شود:

الف. از نگاه غیرشریعت‌گرا و جهانی ۱. هدفمندی در زندگی ۲. تجربه بهبود و وارستگی ۳. نمود اجتماعی ۴. پایبندی به بایسته‌های (کدهای) روشن اخلاقی.

ب. از دیدگاه شریعت‌گرا ۱. خداشناسی، خداجویی و خدامحوری ۲. تلاش درجهت بالندگی معنوی و خودسازی ۳. توکل.

در زندگی و آفریده‌های بسیاری از چهره‌های فرهنگی چه متشرع چه با سبک‌های زندگی دیگر نمودهای معناگری پیش‌گفته را می‌توان یافت. در واکاوی زندگی‌نامه‌ها و خودنوشته‌ها سبک زندگی ساده و هدفمند، وارستگی، مردم‌گرایی و پایبندی‌های اخلاقی و جست‌وجوهای معناگرانه آنان برجسته است. در این میان کسانی از کنشگران و پژوهندگان فرهنگی هم هستند که کاوش‌های چندزمینه‌ای‌شان پررنگ‌تر بوده که از آن جمله نوشته‌های زنده‌یاد داریوش شایگان گویای بررسی‌های مقایسه‌ای معناگرانه در ارزش‌ها و اندیشه‌های دینی و آیینی تمدن‌های کهن است. گویی دانش، دل‌بستگی و توانش‌های فرهنگی با معناگرایی چهره‌های فرهنگی درپیوند است. قلم شایگان کاوشی روان و ژرف را نمایان کرده چنان که برگرفته از اوپانیشاد می‌نویسد «او در درون همه هستی‌هاست» و چنین بیان می‌کند که «همان جذبه و کشش این نیرویی است که به یک اعتبار مرا از خود می‌راند و به اعتبار دیگر مرا به سوی خویش می‌کشاند.»

نوشتن، کاوش، پژوهش، آموزش، آفرینش و کاستی‌جویی (نقد) از یک‌سو با بازخوردهای علمی و از سوی دیگر با رهایی نوآوری و پرسش درآمیخته است، به تمرکز نیاز دارد، آدم را بارها به ژرفایی می‌کشد و در طوفان‌هایی می‌برد که زمینه‌ساز بالندگی معنوی و معناگری است. بر زیست فرهنگی آن آدم‌ها و زندگی‌نامه و یادکردهایمان از آن چهره‌ها که درنگ کنیم، انگار اتاق و خانه‌شان، گذشته از نظام باورها و ارزش‌هایشان که چه بسا ناهمانند باشد، از پرتوی معناگری روشن بوده است.

ماه مهمانی خدا-۱۴

بازگشت به درگاه خدا

رمضان المبارک



حجت الاسلام والمسلمین‌محسن قرائتی

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللهِ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ یَتُوبُونَ مِنْ قَرِیبٍ فَأُولَئِکَ یَتُوبُ اللهُ عَلَیْهِمْ وَکَانَ اللهُ عَلِیماً حَکِیماً»(نساء، ۱۷)

بی‌گمان (پذیرش) توبه بر خدا، برای کسانی است که از روی جهالت کار بد می‌کنند، سپس زود توبه می‌کنند. پس خدا توبه آنان را می‌پذیرد و خداوند، دانا و حکیم است. یکی از نشانه‌های لطف و رحمت‌الهی به بندگان، بازبودن در توبه است. ما انسان‌ها عذر و پوزش دیگران را به سختی می‌پذیریم و بر آنها منت می‌گذاریم. اگر هم آن خطا تکرار شود، جایی برای عذرخواهی باقی نمی‌ماند. اما خداوند مهربانتر از مادر فرموده است: بندگان من، هیچ‌گاه از درگاه من ناامید نشوید و بدانید هرچه هم گناه شما بزرگ باشد، اما از رحمت من بزرگ‌تر نیست. فقط کافی است از کرده خود پشیمان باشید و درصدد جبران خطای خود برآیید. هرچه گناه بزرگ باشد، من می‌بخشم و از شما درمی‌گذرم. بر اساس این آیه، پذیرفتن توبه، از حقوقی است که خداوند برای مردم، برعهده خویش قرار داده و آنان را به این کار توصیه و تشویق کرده است. البته روشن است که تا وقتی گناهان انسان زیاد نشده، توبه و بازگشت به درگاه خدا آسانتر است و هنگامی که گناهان زیاد می‌شود، توبه کردن مشکل می‌شود. لذا خداوند، گناهکاران را به توبه فوری سفارش کرده است، زیرا سرعت در توبه، کلید قبولی آن است. طبیعی است که توبه باید واقعی باشد و اگر تظاهر به توبه کنیم، خدا حقیقت را می داند.

■ **توبه نجات‌بخش**

«فَلَوْلَا کَانَتْ قَرْیَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِیمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ یُونُسَ لَمَّا آمَنُوا کَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْیِ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِینٍ»(یونس، ۹۸)

حضرت یونس، سال‌های بسیار مردم را به خداپرستی دعوت کرد؛ ولی از این میان تنها دو نفر به او ایمان آوردند، یکی شخصی عابد و دیگری عالمی حکیم. حضرت به پیشنهاد عابد، مردم را نفرین کرد و از میان آنان رفت.

آن حضرت سوار بر کشتی شد تا به منطقه‌ای دیگر برود. در میانه راه ناگهان کشتی به‌خاطر مواجه شدن با نهنگی بزرگ، دچار اضطراب گردید و چیزی نمانده بود تا همه اهل کشتی غرق شوند. صاحبان کشتی تصمیم گرفتند برای رفع این بلا، یک نفر را به دریا بیندازند تا از این مصیبت رها شوند و قرعه به نام یونس افتاد، لذا او را به دریا انداختند، بلافاصله نهنگ او را بلعید، اما به امر الهی از خوردن و هضم او منع گردید.

یونس در تاریکی‌های شکم ماهی و اعماق آب به خروج نابجا و بدون اذن خدا از میان مردم پی‌برد و به آن اعتراف کرد، خداوند دعای او را مستجاب فرمود و او را از آن حال نجات داد. هنگامی که حضرت یونس به شهر بازگشت، دید که قوم او هلاک نشده‌اند، سبب را پرسید، گفتند که آن مؤمن حکیم، با دیدن نشانه‌های عذاب، به مردم هشدار داد و با راهنمایی او از شهر بیرون رفته و به درگاه خدا ناله و توبه کردند. خداوند نیز آنان را بخشید و از عذاب حتمی نجات داد.

آری انسان می‌تواند حتی در لبه پرتگاه، خود را حفظ کند و با توبه به‌موقع، عذاب الهی را برطرف سازد، چنان‌که یونس و قومش با توبه و استغفار نجات یافتند.

زمزمه‌ها



سید حبیب حبیب‌پور

... اما تو که خوب و مهربانی

من آن مستمندم که جز به لطف تو امیدوار نیست.
من آن درمانده‌ای هستم که جز به مهر تو دل نبسته است.
من آن تشنه‌ام که جز به جام محبت تو سیراب نمی‌شود.
من آن آلوده‌ام که جز به جویبار عفو تو پاک نخواهد شد.
من آن تنهایم که جز به همنشینی با تو آرام نمی‌گیرد. من آن خسته‌ام که جز به یاد تو آرامش نمی‌یابد.
من آن دردمندم که جز به درمان تو امید ندارد. من آن آرزومندم که برای اجابت جز خانه تو نمی‌جوید.
من آن دورافتاده‌ام که جز نگاهت مرا به تو نزدیک نمی‌کند. من آن بنده‌ام که از تو شرمنده است اما هیچگاه از تو جدا نخواهد شد.
خدای من! من بد کردم اما تو که خوبی.
من پیمان شکستم اما تو که باوفایی.
من حیا نکردم اما تو که شرم‌داری مرا رسوا کنی.
من زشت و سیاهم اما تو که کمال زیبایی و جمالی.
من در تاریکی غفلت افتاده‌ام اما تو که عین روشنایی و نوری.
من بر خود ستم کردم اما تو که سراسر عدل و اکرامی.
من، فرومایه‌ام اما تو که بزرگ و بزرگواری.
در این لحظه هیچ ندارم جز تنگدستی و سوز و آه و هیچ نیستم جز مستمندی به این درگاه.
نه عبادتی دارم که به آن سربلند باشم و نه خلوصی دارم که مرا به تو نزدیک کند.
نه عمل نیکی اندوخته‌ام که بدان امیدوار باشم و نه اندیشه‌ای پاک داشته‌ام که نجاتم دهد.
با اینهمه بنده توأم و تو پروردگار با سخاوتی هستی که هیچگاه دست رد بر سینه بنده پشیمانت نمی‌زنی.
و اینک برگشته‌ام با چشمی اشک آلود که باز هم مرا به خانه ات راه دهی پس میهمانت را از درگاهت مران!
ای کاش که این تشنه به دریا برسد
مرهم به دل زخمی گلها برسد
بعد از امشب که ماه من کامل شد
ای کاش مرا صبح تماشا برسد

عکس نوشت

«بنکسی» هنرمند ناشناس بریتانیایی که با گرافیتی‌های جنجالی‌اش مشهور است اثر جدیدی خلق کرد که موضوع آن ستایش کارکنان حوزه سلامت و مبارزه آنها با ویروس کروناست. او در این اثر یک پرستار را با شمایل یک ابرقهرمان به تصویر کشیده است. پسری که با عروسکی شنل‌پوش در لباس یک پرستار بازی می‌کند. در کنار این کودک، سبدی که عروسک قهرمانانی همچون «مرد عنکبوتی» و «بت‌من» در آن رها شده‌اند به چشم می‌خورد. «بنکسی» این اثر جدید را به همراه یادداشتی به بیمارستان عمومی «ساوت‌همپتون» اهدا کرده و قرار است این اثر هنری تا پاییز در همین بیمارستان در معرض نمایش گذاشته شود و بعد در یک حراجی فروخته شود.

